

تحلیلی بر چگونگی پراکندگی کرسی‌های مجلس شورای اسلامی در ایران

زهرا پیشگاهی فرد* - استاد گروه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، دانشگاه تهران
سیدمحمد حسینی - دکتری جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، دانشگاه تهران
سیدعلی حسینی - دکتری جغرافیای و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۹۰/۹/۱۳ تأیید نهایی: ۹۲/۲/۲۳

چکیده

انتخابات، فرایندهای انتخاباتی، تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی به وسیله نهادهای منتخب، از جمله اصول بیشتر کشورهای جهان برای توسعه و تکامل است. یکی از مناسب‌ترین ظرفیت‌ها برای اعتمادسازی بیشتر بین اقوام و افکار مختلف و جذب و هدایت آن‌ها به سوی یک آرمان و اندیشه سیاسی مشترک و حفظ تمامیت کشور، وجود نهاد قانونگذاری در کشور است. نهادی که مهم‌ترین هدف آن، وضع قوانین عادلانه است. این مهم در کشوری مانند ایران که از نظر قومی - مذهبی و زبانی متنوع است، اهمیت ویژه‌ای دارد. تجمع نمایندگان ملت از سراسر کشور به صورت برابر، بدون توجه به قومیت، زبان و مذهب، الگویی متناسب از مشارکت سیاسی تمام ملت را به نمایش می‌گذارد. این امر در بلندمدت، بر تقویت نیروهای مرکزگرا تأثیر خواهد گذاشت و اصل وحدت، وفاق و وفاداری ملی و یکپارچگی سیاسی - فضایی را به همراه خواهد داشت. از این رو، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به دو پرسش اساسی خواهد بود: ۱. آیا در جمهوری اسلامی ایران، با توجه به پراکندگی جمعیت و وسعت سرزمین، فرصت برابر برای دستیابی به کرسی‌های مجلس شورای اسلامی برای همه مردم وجود دارد؟ ۲. در صورت نبود دسترسی مناسب، علل اصلی آن چه بوده است؟ نتایج نشان داد که در ایران، فرصت برابر در دسترسی به کرسی‌های مجلس برای همه مردم با توجه به وسعت و پراکندگی جمعیت فراهم نیست و تمایز زیادی بین استان‌ها دیده می‌شود. ارزش رأی‌ها در استان‌های مختلف، متفاوت است و مجموعه‌ای از عوامل که عمدتاً منشأ سیاسی و مدیریتی داشته‌اند، به صورت زنجیره‌ای به نبود تعادل منجر شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: ارزش آرا، توزیع فضایی نمایندگان، کرسی‌های مجلس، مجلس شورای اسلامی.

مقدمه

توزیع برابر یا حداقل توزیع بهینه فرصت‌ها، عدالت اجتماعی، برابری و برابرخواهی، دغدغه بیشتر جوامع و دولت‌ها (اسلامی، سوسیالیستی، سوسیال دموکراسی و...) بوده است. هریک از جوامع، در راستای تحقق و پیاده کردن نوعی برابری، بعضی منابع و انرژی خود را سرمایه‌گذاری کرده‌اند و به ساماندهی اجتماعی سازگار با آن پرداخته‌اند. در واقع، برابرخواهی، فصل مشترک تمامی مکاتب با رویکردهای اخلاقی بوده است. همه این جوامع، به نحوی برابری چیزی را خواسته‌اند و همه تصمیم‌هایشان را در آن زمینه سامان داده‌اند. طرح سؤال «برای چه چیزی؟»، به عنوان اولین گام در جهت عملیاتی کردن و مدل‌سازی عینی این مدینه فاضله، بیشتر مفهومی و جذاب بوده است؛ برابری در توزیع امکانات اولیه، برابری حقوق، برابری در برخورداری از آزادی‌های مدنی، برابری دستاوردها، برابری رفاه، برابری درآمد، برابری فرصت و...، اصول راهنمای جامعه و برنامه‌ریزان در چگونگی طراحی مدل عینی از اتوپیای برابری بوده است. خاستگاه طرح این سؤال کلیدی نیز نابرابری افراد در برخورداری از موهبت‌ها و موقعیت‌های اجتماعی در جوامع مختلف است. در نظام‌های دموکراتیک، مردم به صورت‌های مستقیم و غیر مستقیم از طریق انتخابات، فرایندهای انتخاباتی، تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی به وسیله نهادهای منتخب، در تصمیم‌های حکومتی و تصویب قوانین دخالت دارند و بر سرنوشت خود و اقدام‌هایی که باید در جامعه صورت گیرد، تأثیر می‌گذارند. یکی از نهادهای اساسی برای نیل به این مقصود، مجالس قانونگذاری است که امروزه در اغلب کشورهای جهان تأسیس شده است تا افراد منتخب به نمایندگی عامه در آن حضور یابند و با تصویب قوانین، اهداف جامعه را پیش ببرند. بسیاری از کشورهای جهان در دنیای متحول‌شده امروزی برای نهادینه کردن الگوهای مدنی و تشکیل نهادهای دولتی و مردمی با رأی و نظر مستقیم مردم، برگزاری انتخابات آزاد و سالم و متناسب با ساختارهای ملی و منافع ملی را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند و برای اجرای دقیق این فرایند مردمی، در سالیان متمادی با کسب تجربه‌های متعدد توانسته‌اند به سطح بالایی از روش‌های نوین دسترسی یابند (ملاحسینی اردکانی، ۱۳۸۶: ۲۵). در جمهوری اسلامی ایران کارکردهای مجلس عبارت‌اند از: ۱. کنترل و محدود کردن قدرت حاکم، ۲. مشارکت افراد بیشتر در تصمیم‌گیری برای کشور و ۳. اهمیت دادن به نظر مردم در سیاست. از این رو، قانون اساسی بر وجود پارلمان تأکید کرده و اعلام کرده است که «کشور در هیچ زمانی نباید بدون مجلس باشد»^۱ و در میان قوای حاکم، قوه مقننه بنا به گفته بنیانگذاران نظام: «مجلس باید در رأس امور باشد»^۲، یا «مجلس شورای اسلامی، تنها مرکزی است که تمام قوا باید تبع (تابع) آن باشند» از اهمیت بسزایی برخوردار است. علاوه بر این، بررسی اجمالی قانون اساسی ایران و اصلاحات آن نشان می‌دهد که بیش از ۱۳۱ بار به قوه مقننه اشاره شده است که نشان از جایگاه این قوه در جمهوری اسلامی ایران دارد. وظیفه اصلی این نهاد- که نمایندگان آن از طریق رأی مستقیم ملت انتخاب می‌شوند- وضع عادلانه قوانین اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در سطح جامعه و بسترسازی برای رشد و ترقی کشور است. تعداد نمایندگان حاضر در هر پارلمان متفاوت است، اما آنچه اهمیت دارد، مشارکت همه مردم به صورت عادلانه در شکل‌دادن به این مرجع قانونی است که با توجه به تعداد جمعیت و وسعت هر کشور و قوانین خاص حاکم بر هر سرزمین، تعداد نمایندگان حاضر در هر پارلمان متفاوت است. در این بین، برابری در دسترسی به کرسی‌های مجلس، هم برای مردمی که از مناطق مختلف یک سرزمین در رأی‌گیری شرکت می‌کنند و هم برای خود نمایندگان، اهمیت بسیار دارد و انتظار می‌رود که مجلس به عنوان قوه قانونگذار، مجموعه تمام‌نمایی از تکتک قومی، فرهنگی و زبانی در کشور باشد و دسترسی به فرصت‌های برابر را برای همه مردم و نمایندگان فراهم آورد. اهمیت این موضوع در ایران- به عنوان کشوری که گسیختگی‌های طبیعی و انسانی دارد- دوچندان است؛ زیرا الگوی پخش جمعیت در پهنه سرزمینی ایران نامتعادل است. این

۱. اصل ۶۳: برای اینکه کشور بدون مجلس نباشد، در همان اصل قانون اساسی تأکید شده است که انتخابات هر دوره مجلس شورای اسلامی، باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود.

۲. رک: بیانات امام خمینی (ره) در این زمینه.

امر متأثر از دو عامل پخش نامتعادل بنیادهای زیستی و پخش نامتعادل فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است که این دو، در بلندمدت تمرکزگرایی را در کشور افزایش داده‌اند. حال آنکه الگوی پخش بنیادهای زیستی، جبری و الگوی پخش فرصت‌ها، غیر جبری، زاییده سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی در چند دهه گذشته و نبود سیاست‌ها و طرح‌های آمایش سرزمین است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۳۷). ایران از یک تنوع قومی، مذهبی و زبانی برخوردار است که گاهی این تنوع سبب تقویت نیروهای مرکزگرای شده و کشور را با بحران مواجه کرده است. یکی از مناسب‌ترین ظرفیت‌ها برای اعتمادسازی بیشتر بین اقوام و افکار مختلف و جذب و هدایت آن‌ها به سوی یک آرمان و اندیشه سیاسی مشترک و حفظ تمامیت کشور، وجود نهاد قانونگذاری در کشور است. نهادی که مهم‌ترین هدف آن، وضع قوانین عادلانه است. تجمع نمایندگان ملت از سراسر کشور به صورت برابر، بدون توجه به قومیت، زبان و مذهب، یک الگوی متناسب از مشارکت سیاسی تمام ملت را به نمایش می‌گذارد. این امر در بلندمدت بر تقویت نیروهای مرکزگرا تأثیر می‌نهد و وحدت، وفاق و وفاداری ملی و یکپارچگی سیاسی - فضایی را به همراه می‌آورد. از این رو، هدف اصلی این پژوهش، پاسخگویی به این پرسش‌هاست: ۱. آیا در جمهوری اسلامی ایران، فرصتی برابر برای دستیابی به کرسی‌های مجلس شورای اسلامی برای همه مردم با توجه به پراکندگی جمعیت و وسعت سرزمین وجود دارد؟ ۲. در صورت نبود دسترسی مناسب، علل اصلی آن چه بوده است؟

مبانی نظری

انتخابات و تمامی روش‌هایی که برای ساختن همه جوامع دموکراسی سازماندهی شده‌اند، به منزله زیربنا هستند. از آنجاکه ابزارهایی تولید می‌کنند که از طریق آن، مردم در شکل دولت به نمایش درمی‌آیند، بر جغرافیای سیاسی و اجتماعی به طور اساسی تأثیر می‌گذارند (بلاکسل، ۱۳۸۹: ۱۵۴). جغرافیای انتخابات، به عنوان یکی از شاخه‌های جغرافیای سیاسی، محدوده‌های جغرافیای محلی، منطقه‌ای و ملی را بستری برای انتخابات نمایندگان می‌داند. این محدوده‌های جغرافیایی و شناسه‌های مربوط به دموکراسی همچون رفتار رأی مردم، از نکات اصلی مورد توجه در جغرافیای انتخابات است. آنچه بحث دموکراسی را در جغرافیا مجاز می‌سازد، نقش‌آفرینی محیطی آن است که در جغرافیای انتخابات به تأثیرگذاری متقابل انسان و محیط مربوط می‌شود. دموکراسی و انتخابات، از آن رو با مباحث جغرافیای سیاسی ارتباط می‌یابد که به اصل جدایی‌ناپذیر سه عنصر یا پدیده ملت، حکومت و سرزمین مربوط است. اصل جدایی‌ناپذیری این مثلث، ناشی از رابطه‌ای است که اراده ملت را به حکومت منتقل می‌کند. به عبارت دیگر، دموکراسی و انتخابات، بهترین وسیله برای عملی کردن تأثیرگذاری اراده ملت بر شیوه حکومت در اداره سرزمین است. براین اساس، دموکراسی، جغرافیایی‌ترین نوع حکومت شمرده می‌شود (پیشگاهی و شوشتری، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

امروزه در دموکراسی‌های غربی، دو برداشت از برابری فرصت، رواج دارد. برداشت اول خاطر نشان می‌کند که جامعه باید هرچه در توان دارد، در راستای همسطح کردن عرصه بازی^۱ - در میان افرادی که برای رسیدن به موقعیت‌های اجتماعی با یکدیگر رقابت می‌کنند - به کار بندد یا به طور کلی، عرصه بازی را برای افراد در دوران تکوینشان به گونه‌ای برابر سازد که تمامی افرادی که از توانمندی‌های درخوری برخوردارند و نامزد رقابت برای کسب موقعیت‌های اجتماعی شده‌اند، را دربرگیرد. برداشت دوم - که آن را اصل نبود تبعیض^۲ می‌نامیم - بیان می‌کند که در رقابت برای کسب موقعیت‌های اجتماعی، تمامی افرادی که از ویژگی‌های مقتضی برای انجام وظایف موقعیت اجتماعی مورد بحث برخوردارند، باید در فهرست نامزدهای واجد شرایط قرار گیرند و تصرف این موقعیت‌ها از سوی افراد، فقط باید براساس

1. Level the playing field: منظور از همسطح کردن عرصه بازی، ایجاد موقعیتی در جامعه است که در آن، تمامی افراد، فرصت‌های برابر داشته باشند.

2. Nondiscrimination principle

آن صفات مقتضی باشد (جان، ۱۳۸۱: ۱۸). در هر انتخاباتی، باید اصل نبود تبعیض در اولویت قرار گیرد و عرصه بازی برای نامزدها و رأی‌دهندگان مساوی باشد. امروزه انتخابات و فرایندهای مربوط به آن، یکی از مهم‌ترین رویدادها در هر کشور محسوب می‌شود و روزبه‌روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود که می‌توان گفت مهم‌ترین دلایل آن عبارتند از:

الف) انتخابات، ضامن مشروعیت نظام: مشروعیت یک نظام سیاسی، همان ارزشمندی آن است. به این معنا که آن نظام، مبین اراده عمومی است (اندروینست، ۱۳۶۹: ۲۹). مشروعیت یک نظام سیاسی به این مسئله بستگی دارد که تا چه حد مبین اراده عمومی است (عاملی، ۱۳۶۴: ۴۱۰).

ب) انتخابات، حق تعیین سرنوشت و اعمال حاکمیت ملی: ملت با اجرای دموکراسی غیر مستقیم، اجرای حاکمیت خود را با توجه به حق تعیین سرنوشت، از طریق انتخابات به نمایندگان خود واگذار می‌کند، نه خود حاکمیت را (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۸۰: ۷۰).

در جمهوری اسلامی ایران نیز حق حاکمیت مردم بر سرنوشت اجتماعی و سیاسی خویش، مشارکت عملی و همه‌جانبه آنان را ایجاد می‌کند و قانون اساسی به‌عنوان منشور زندگی مردم جامعه، در اصل ۵۶ به‌صراحت به حق تعیین سرنوشت اشاره کرده و روش‌های اعمال آن را مشخص کرده است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۵۶).

تاریخچه مجلس در جهان و ایران

مجلس به معنای امروزی، پدیده‌ای است که از دولت‌های غربی به کشورهای دیگر گسترش یافت. شهروندان آتن - که فقط شامل بزرگان و اصیل‌زادگان آن شهر بودند و مردم عادی و بردگان در آن جایی نداشتند - از یک دموکراسی ابتدایی (دولت مردمی) برخوردار بودند که از آن با نام «دموکراسی مستقیم» نام برده می‌شود. در این مجلس، همه تصمیم‌های مهم درباره چگونگی اداره آتن، به‌ویژه قانونگذاری، نظارت بر سیاست خارجی و نظارت بر فرمانروایان و امرای لشکر اتخاذ می‌شد (عالم، ۱۳۷۶: ۱۵). در امپراتوری روم نیز مجلسی به نام «سنا» وجود داشت که اعضای آن، از میان شهروندان صاحب زمین انتخاب می‌شدند. پس از یونان و روم، انگلیس قدیمی‌ترین کشوری است که با دموکراسی و نهادهای آن آشنا شد (نقیب‌زاده، ۱۳۷۲: ۸۹-۹۱). مجلس در عصر جدید (به شکل پارلمان) برای اولین بار در سال ۱۲۱۵ میلادی و در قالب «منشور کبیر» در کشور انگلیس شکل گرفت (آندره موروا، ۱۳۶۶: ۱۲۴). با اینکه بسیاری از کشورها، به‌ویژه کشورهای اسلامی و همچنین ایران، در تاریخ خود سابقه تشکیل مجلس و شورا را داشتند، پارلمان و انتخابات با رأی منفی که در انگلیس شکل گرفت، به دلیل ابرقدرتی و استعمارگری این کشور، تا اواسط قرن بیستم، به‌مثابه «شاخص دموکراسی و حق حاکمیت مردم» در کشورهای دیگر نیز رسوخ و گسترش یافت که ایران نیز یکی از این کشورهاست. شایان ذکر است که در تاریخ پرفراز و نشیب سرزمین ایران، در دوره اشکانیان، سه مجلس در ایران وجود داشت:

۱. مجلس شاهی یا شورای خانوادگی که مردان خانواده شاهی در آن شرکت می‌کردند؛
 ۲. مجلس بزرگان یا شورای ریش‌سفیدان (سنا) که از مردان پیر و مجرب و مغان بلندپایه قوم پارت تشکیل می‌شد؛
 ۳. مجلس مهستان که ترکیبی از دو مجلس بالا بود و شاه از طریق این مجلس برگزیده می‌شد.^۱
- اولین مصوبه مجلس مهستان، انتخابی کردن پادشاه بود. انتخاب جانشین پادشاه از میان شاهزادگان، اعلان جنگ و پیشنهاد صلح، بسیج نیرو، عزل شاه در صورت دیوانه‌شدن، بیماری طولانی و... از جمله اختیارات مهستان بود.^۲ در طول تاریخ ایران، کمتر با چنین مواردی برخورد می‌کنیم. درنهایت، با موافقت مظفرالدین‌شاه و صدور فرمان تشکیل «مجلس

۱. این رویه اکنون در آمریکا نیز مشاهده می‌شود: مجلس نمایندگان، مجلس سنا و کنگره که ترکیب دو مجلس نمایندگان و سنا است.

۲. نقل از انوشیروان کیهانی‌زاده: www.iranianshistoryonthistoday.com

شورای ملی»، اولین مجلس شورای ملی در سال ۱۲۸۵ تشکیل شد. این مجلس از بدو تشکیل تا پایان سلطنت قاجار (۱۳۴۲ هـ. ق) در ۱۷ سال، فقط هفت سال برقرار بود (اتحادیه، ۱۳۷۵: ۴). در دوران حکومت ۵۳ ساله دو شاه پهلوی در ایران، در مجموع، ۱۸ مجلس شورای ملی تشکیل شد و علاوه بر آن، دو مجلس مؤسسان و سنا نیز به وجود آمد (رمضانی خردمردی، ۱۳۸۷: ۴۸). با پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۵۷، از بین سه مجلس رژیم پیشین، تنها «مجلس شورای ملی» به‌عنوان میراث نهضت مشروطه و نماد اراده ملت، با تغییر نام به «مجلس شورای اسلامی» در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شد و تاکنون هشت دوره مجلس شورای اسلامی تشکیل شده است.

سازمان فضایی انتخابات

تضمین اینکه انتخابات به‌خوبی و به‌طور مناسبی مدیریت می‌شود، یکی از مهم‌ترین وظایف عمومی در جوامع دموکراتیک است. کشورها با هر شکل انتخاباتی سعی می‌کنند تا تضمین کنند که قوانین روشنی برای برگزاری انتخابات و نیز ابزار مناسبی برای اجرای آن دارند. این کار بسیار مشکل است؛ زیرا پنهان‌شدن در میان تغییرهای اجتماعی دائمی بسیار ساده است، اما بهای اشتباه‌ها بسیار بالاست. هدف انتخابات در بسیاری از کشورها، ساختن و تحقق‌بخشیدن سیستمی است که در آن، هر رأی‌دهنده بزرگسال یک رأی مجزا دارد که ارزش آن با بقیه برابر است و از اصل یک فرد، یک رأی پیروی می‌کند. به‌علاوه مرزهای حوزه انتخاباتی باید طوری ترسیم شده باشد که تقریباً دربرگیرنده تعداد مشابهی از افراد باشد.

معیارهای تعیین حوزه‌های انتخاباتی

حوزه‌های انتخاباتی (Constituency)، تقسیمات اداری فضا هستند که از سوی نمایندگان مردمی که در قلمروهای محدود کشورهای دموکراتیک زندگی می‌کنند، برای مقاصد انتخاباتی طراحی شده‌اند. نمایندگان انتخاب‌شده در این حوزه‌ها نه تنها نمایندگی مردم را دارند، بلکه تقسیمات مربوط به قلمرو حوزه‌های انتخاباتی را نیز منعکس می‌کنند (پال‌سینگ، ۲۰۰۰: ۵۱۷). درواقع، وجود حوزه‌های انتخاباتی، برای انعکاس تفاوت‌های جغرافیایی مناطق مختلف کشور و هرچه متناسب‌تر شدن نتیجه انتخابات با توجه به تفاوت‌های مناطق، لازم و ضروری است (کاتز، ۱۹۹۷: ۱۱۰).

الف) معیارهای جمعیتی: یکی از مهم‌ترین معیارهایی که اغلب کشورها آن را پذیرفته‌اند، معیارهای جمعیتی است. براساس این معیار، حوزه‌های انتخاباتی برحسب میزان جمعیت - که اغلب به صراحت در قوانین انتخاباتی آمده است - تعیین می‌شود. در ایران نیز همین معیار برای تعیین حوزه‌های انتخاباتی پذیرفته شده است.

ب) معیارهای مربوط به مرز جغرافیایی: در بعضی از کشورها که به دلایلی، معیارهای جمعیتی پاسخگوی مطالبه‌های مردم نیست، حوزه‌های انتخاباتی برحسب مرزهای طبیعی نظیر رودخانه، رشته‌کوه‌ها و... یا برحسب مرزهای اداری موجود مشخص می‌شود.

پ) معیارهای مربوط به شکل و اندازه جغرافیایی: بعضی از کشورها براساس عواملی چون پراکندگی جغرافیایی، حوزه‌های انتخاباتی خود را تعیین می‌کنند. از این معیارها در سرزمین‌های وسیعی نظیر استرالیا و کانادا - که پراکندگی جمعیت در آن‌ها مشهود است یا سرزمین‌هایی که جزایر متعدد دارند - استفاده می‌شود.

ت) تعیین حوزه‌های انتخاباتی برحسب جمعیت‌های ذی‌نفع: بعضی از کشورها حوزه‌های انتخاباتی خود را براساس جمعیت‌های نژادی، زبانی و... - که منافع مشترکی دارند - مشخص می‌کنند. ممکن است این اشتراک منافع، شامل پیشینه نژادی و قومی، تاریخ یا فرهنگ مشترک، مذهب یا زبان مشترک یا موقعیت اجتماعی و اقتصادی مشترک باشد. در ایران، این ملاک در مورد اقلیت‌های مذهبی اعمال می‌شود.

ث) معیارهای استثنایی: معیارهای دیگری هم وجود دارد که کشورها به‌طور استثنایی، به‌دلیل شرایط خاص خود آن را برمی‌گزینند (پدرام و دهکردی، ۱۳۸۱: ۱۵۰).

انتخابات و حوزه‌های انتخاباتی در آمریکا

در میان همه کشورهای ایالات متحده احتمالاً قوانین بسیار قدرتمندانه‌ای وضع کرده است، اما به‌لحاظ کسب تناسب، لزوماً موفق‌ترین آن‌ها نبوده است. در این کشور، به تعداد افراد واجد شرایط رأی‌دادن در هر انتخابات و در هر ناحیه انتخاباتی، به‌طور منظم، بعد از هر سرشماری توجه می‌شود تا اطمینان حاصل شود که جمعیت هیچ ناحیه‌ای کمتر یا بیشتر از میزان مشخص شده نبوده است. دیوان عالی ایالات متحده آمریکا، موارد غیر قانونی، حتی انحراف‌های کوچک - مانند اینکه تعداد مشخصی از انتخاب‌کنندگان در هر ناحیه وجود ندارند - را مشخص می‌کند. اغلب ایالت‌ها در اصول تقسیم، وجه مشترک دارند، اما برای تحمل درجه بالاتری از انحراف محدود در علایق نمایندگی مؤثر آماده‌اند (بلاکسل، ۱۳۸۹: ۱۵۸).

پارلمان هند: حوزه انتخاباتی و کرسی‌ها

با توجه به وسعت هند، رهبری انتخابات مجلس نمایندگان برای انتخاب وکلا و حقوق‌دانان این مجلس، مانند رهبری کردن، بزرگ‌ترین رخدادهای جهان است. بیش از هفتصد میلیون رأی‌دهنده در ۸۰۰،۰۰۰ مقرر رأی‌گیری در مناطق مختلف با شرایط آب‌وهوایی گوناگون و گاهی سخت مانند کوه‌های پوشیده‌از برف هیمالیا و بیابان‌های خشک راجستان و جزایر با تعداد محدود جمعیت گسترده شده‌اند. هند برای انجام این انتخابات، به ۵۴۳ حوزه انتخاباتی پارلمانی تقسیم شده است. هر یک از این حوزه‌ها یک نماینده در مجلس نمایندگان یا «لوک‌سابا» دارند. کمیسیونی به نام کمیسیون تعیین حدود سعی کرده است میزان و ترکیب هر حوزه انتخاباتی را با توجه به محدودیت‌های مرزهای ایالتی به‌طور مساوی از نظر وسعت و جمعیت تعیین کند. تعیین حدود حوزه‌های انتخاباتی پارلمان یا مجالس ایالتی، با ترسیم دوباره مرزها برای حصول اطمینان از اینکه حوزه‌های انتخاباتی تا چه حد، از نظر کارکرد و امکانات به یکدیگر نزدیک‌اند و همچنین از نظر جمعیت در یک سطح قرار دارند، انجام گرفته است. در هند، هر ۱۰ سال یک‌بار براساس آمارگیری جمعیتی، مرزهای حوزه‌های انتخاباتی بازبینی می‌شوند. برای هر انتخابات، از طریق قانون، یک کمیسیون تعیین حدود، از سوی رئیس کمیته انتخابات و دو قاضی با سابقه قضاوت از طرف دیوان عالی کشور یا دادگاه عالی ایالتی انتخاب و تشکیل می‌شود (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۸: ۱۴۶-۱۴۷). در تخصیص نمایندگان به مناطق مختلف کشور نیز پارامترهای مختلف و تا حد امکان عادلانه‌ای در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین، رژیم سیاسی مبتنی بر نظام انتخاباتی، در واقع تجلی‌بخش اراده ملت و اعمال حاکمیت ملی است و در کشورهایی که با اصول دموکراسی اداره می‌شوند، پارلمان، مرکز ثقل سیاست و تصمیم‌گیری در مورد مسائل مملکتی است (بابامرادی، ۱۳۷۶: ۶۳). هدف از انتخابات در بیشتر کشورها تعبیه و کاربری سیستمی است که در آن، هر فرد بالغ یک رأی با وزن برابر با رأی‌های دیگران داشته باشد که در انطباق با اصل یک فرد، یک رأی است (بلاکسل، ۲۰۰۶: ۱۱۸-۱۱۹).

روش پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و برای دستیابی به اهداف، از روش‌های مختلف کتابخانه‌ای، ترسیمی و نرم‌افزارهای ArcGIS 9.2 و Excel با تأکید بر نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ (به‌دلیل در دسترس نبودن نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰) و آمارنامه مجلس شورای اسلامی بهره گرفته شده است. همچنین برای پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش،

از روش‌های تجزیه و تحلیل کمی و کیفی، به‌صورت جداگانه یا ترکیبی استفاده شده است. به‌منظور تحلیل چگونگی پراکندگی کرسی‌های مجلس شورای اسلامی در سطح کشور در کلان‌حوزه‌های انتخاباتی که برابر با استان هستند، از شاخص‌هایی نظیر جمعیت، تعداد حوزه‌های انتخاباتی، تعداد نمایندگان، وسعت، نسبت جمعیت به نمایندگان، نسبت وسعت به نمایندگان و فاصله از میانگین استفاده شده است (آمارهای نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۰ بررسی شده است). همچنین به‌منظور بیان روشن‌تر شکاف موجود در بین استان‌های کشور و میزان نزدیکی یا دوری آن‌ها از موقعیت مطلوب، حوزه‌های انتخاباتی از نظر برخورداری از کرسی‌های مجلس، با توجه به جمعیت و وسعتشان، در پنج طیف بسیار خوب، خوب، متوسط، ضعیف و خیلی ضعیف گروه‌بندی شده‌اند. برای تعیین بهترین حالت نسبت به نقطهٔ بهینه برای هر یک از استان‌ها، از روش محاسبهٔ مجموع مربع دو شاخص جمعیت و مساحت استفاده شد. شایان ذکر است که به دو دلیل، از شاخص جمعیتی به‌عنوان شاخص پایه در این پژوهش بهره گرفتیم: نخست اینکه رایج‌ترین معیار برای ترسیم محدودهٔ حوزه‌های انتخاباتی و اصلاح این مرزها، شاخص جمعیتی است و در بیشتر کشورها نیز اصل بر این است که حوزه‌های انتخاباتی باید به‌لحاظ جمعیتی مساوی باشند. دوم اینکه در کشور ما نیز بیشترین تأکید قانون بر فاکتور جمعیت و تا اندازه‌ای تعداد حوزه‌های انتخاباتی است. به‌طوری‌که مصداق آن در طرح یک‌شورا «اصلاح حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آن‌ها» و «گزارش تحقیقات مرکز پژوهش‌های مجلس در تاریخ ۱۳۹۱/۰۴/۲۰» - که برای ارتقای حوزه‌های انتخاباتی و تعداد نمایندگان است - روشن است که شاخص جمعیتی مبنای عمل قرار گرفته است، اما در این پژوهش، به‌دلیل ضرورت توجه به عدالت فضایی، به مؤلفه‌های دیگر از جمله ابعاد جغرافیایی توجه شده و وسعت حوزه‌های انتخاباتی نیز مد نظر قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

تقسیم سرزمین ملی به حوزه‌های انتخاباتی سیاسی برای تعیین نماینده را جغرافیای نمایندگی می‌گویند (بابامرادی، ۱۳۷۶: ۵۳). در بعضی از ممالک، حوزه‌های انتخاباتی را مأموران مستقل معین می‌سازند و در بعضی دیگر دولت آن‌ها را تعیین می‌کند. در بعضی کشورها، حوزه‌های انتخاباتی به‌طور مستمر توزیع مجدد می‌شوند و گاه اصول توزیع مجدد حوزه‌ها تغییر می‌کند (همان، ۵۸).

مکان زندگی رأی‌دهنده، تعیین‌کنندهٔ نمایندهٔ اوست. این بدان علت است که نواحی انتخاباتی، به‌صورت ناحیه‌ای تعریف می‌شوند. یک کشور را می‌توان به روش‌های متعددی به نواحی انتخاباتی مختلف تقسیم کرد و بدین‌ترتیب، جغرافیای نمایندگی نیز مختلف خواهد بود که نتایج و برآمدهای مختلفی را به‌وجود خواهد آورد. در هر سیستم انتخاباتی، ابتدا باید به نحوهٔ سازماندهی واحدهای مکانی مشخصی پرداخت که محدودهٔ یک حوزهٔ انتخاباتی را تشکیل می‌دهند. نحوهٔ ترسیم محدودهٔ حوزه‌ها، تأثیر شگرفی بر نتایج انتخابات دارد؛ به‌ویژه در مورد محدوده‌هایی که براساس خواست یا نظرهای حزب خاص یا گروه‌های ذی‌نفوذ ترسیم شده باشد. این‌گونه تقسیم‌بندی آراء، براساس محدوده‌بندی حوزه‌ها با عنوان «سوء استفادهٔ انتخاباتی» شناخته شده است (دیکشت، ۱۹۸۳: ۲۳۷-۲۵۵).

مجلس امروز ایران، مشتمل بر ۲۹۰ نماینده است که بنا به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هر ده سال، ۲۰ نماینده به تعداد نمایندگان افزوده می‌شود. حال پرسش نخست ما این است که آیا ۲۹۰ وکیل فعلی، نمایندهٔ تمام ملت با آراء و اندیشه‌های گوناگون هستند و آیا میزان دسترسی به داشتن نماینده در مجلس، برای همهٔ نواحی کشور یکسان است؟ برای پاسخگویی به این پرسش، تعداد نمایندگان در هر کلان‌حوزهٔ انتخاباتی - که برابر با استان است - را در جدول ۱ بررسی می‌کنیم.

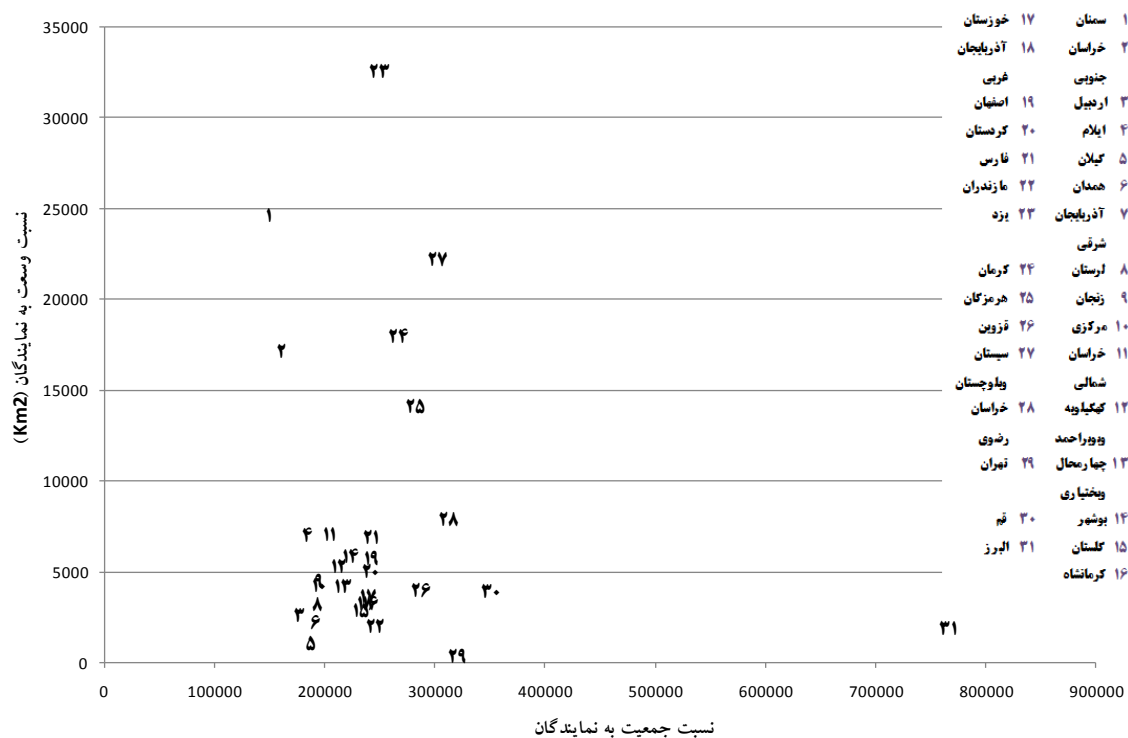
جدول ۱. مشخصات هریک از کلان‌حوزه‌های انتخاباتی کشور

نام استان	جمعیت	تعداد حوزه انتخاباتی	تعداد نمایندگان	وسعت (Km ^۲)	نسبت جمعیت به نمایندگان	نسبت وسعت به نمایندگان (Km ^۲)	فاصله از میانگین
سمنان	۷۴۲،۵۸۹	۴	۴	۶۱۰،۹۸	۴۳۶،۱۴۷	۶۵۳،۲۴	-۹۰۸،۹۹
خراسان جنوبی	۴۲۰،۶۳۶	۴	۴	۷۰۳،۶۸	۱۰۵،۱۵۹	۱۷۶،۱۷	-۲۳۸،۸۸
اردبیل	۱۵۵،۲۲۸،۱	۵	۷	۵۲۷،۱۸	۴۵۱،۱۷۵	۶۴۷،۲	-۸۹۲،۷۱
ایلام	۷۸۷،۵۴۵	۲	۳	۲۰۶،۲۱	۹۲۹،۱۸۱	۰۶۹،۷	-۴۱۴،۶۵
گیلان	۸۶۱،۴۰۴،۲	۱۱	۱۳	۵۳۹،۱۴	۹۸۹،۱۸۴	۱۱۸،۱	-۳۵۴،۶۲
همدان	۲۶۷،۷۰۳،۱	۷	۹	۱۸۷،۲۰	۲۵۲،۱۸۹	۲۴۳،۲	-۰۹۱،۵۸
آذربایجان شرقی	۴۵۶،۶۰۳،۳	۱۳	۱۹	۷۱۰،۴۷	۶۵۶،۱۸۶	۵۱۱،۲	-۶۸۷،۵۷
لرستان	۵۲۷،۷۱۶،۱	۷	۹	۵۶۳،۲۹	۷۲۵،۱۹۰	۲۸۵،۳	-۶۱۸،۵۶
زنجان	۶۰۱،۹۶۴	۴	۵	۶۸۱،۲۲	۹۲۰،۱۹۲	۵۳۶،۴	-۴۲۳،۵۴
مرکزی	۲۵۷،۳۵۱،۱	۶	۷	۱۷۳،۳۰	۰۳۷،۱۹۳	۳۱۰،۴	-۳۰۶،۵۴
خراسان شمالی	۵۷۲،۸۱۱	۳	۴	۴۱۶،۲۸	۸۹۳،۲۰۲	۱۰۴،۷	-۴۵۰،۴۴
کهگیلویه و بویراحمد	۳۹۹،۶۳۴	۳	۳	۰۳۱،۱۶	۴۳۳،۲۱۱	۳۴۴،۵	-۹۱۰،۳۵
چهارمحال و بختیاری	۹۱۰،۸۵۷	۴	۴	۸۹۰،۱۶	۴۷۸،۲۱۴	۲۲۳،۴	-۸۶۶،۳۲
بوشهر	۲۶۷،۸۸۶	۴	۴	۵۰۳،۲۳	۵۶۷،۲۲۱	۸۷۶،۵	-۷۷۶،۲۵
گلستان	۰۸۷،۶۱۷،۱	۶	۷	۵۸۰،۲۰	۰۱۲،۲۳۱	۹۴۰،۲	-۳۳۱،۱۶
کرمانشاه	۳۸۵،۸۷۹،۱	۶	۸	۳۲۵،۲۶	۹۲۳،۲۳۴	۲۹۱،۳	-۴۲۰،۱۲
خوزستان	۹۷۹،۲۷۴،۴	۱۴	۱۸	۸۵۲،۶۶	۴۹۹،۲۳۷	۷۱۴،۳	-۸۴۴،۹
آذربایجان غربی	۴۵۹،۸۷۳،۲	۹	۱۲	۴۹۰،۳۹	۴۵۵،۲۳۹	۲۹۱،۳	-۸۸۸،۷
اصفهان	۲۵۶،۵۵۹،۴	۱۵	۱۹	۵۴۷،۱۰۹	۹۶۱،۲۳۹	۷۶۶،۵	-۳۸۲،۷
کردستان	۱۵۶،۴۴۰،۱	۵	۶	۵۸۴،۳۰	۰۲۶،۲۴۰	۰۹۷،۵	-۳۱۷،۷
فارس	۸۷۸،۳۳۶،۴	۱۵	۱۸	۱۹۸،۱۲۵	۹۳۸،۲۴۰	۹۵۵،۶	-۴۰۵،۶
مازندران	۴۳۲،۹۲۲،۲	۹	۱۲	۴۰۰،۲۴	۵۳۶،۲۴۳	۰۳۳،۲	-۸۰۷،۳
یزد	۸۱۸،۹۹۰	۴	۴	۲۸۰،۱۳۰	۷۰۵،۲۴۷	۵۷۰،۳۲	+۳۶۲
کرمان	۴۱۳،۶۵۲،۲	۹	۱۰	۱۲۴،۱۸۰	۲۴۱،۲۶۵	۰۱۲،۱۸	+۸۹۸،۱۷
هرمزگان	۶۷۴،۴۰۳،۱	۳	۵	۸۰۰،۷۰	۷۳۵،۲۸۰	۱۶۰،۱۴	+۳۹۲،۳۳
قزوین	۲۰۰،۱۴۳،۱	۳	۴	۰۹۷،۱۶	۸۰۰،۲۸۵	۰۲۴،۴	+۴۵۷،۳۸
سیستان و بلوچستان	۷۴۲،۴۰۵،۲	۶	۸	۹۳۲،۱۷۷	۷۱۸،۳۰۰	۲۴۲،۲۲	+۳۷۵،۵۳
خراسان رضوی	۰۷۹،۵۹۳،۵	۱۲	۱۸	۲۵۹،۱۴۳	۷۲۷،۳۱۰	۹۵۹،۷	+۳۸۴،۶۳
تهران	۹۹۱،۱۳۲،۱۱	۶	۳۵	۴۹۱،۱۳	۰۸۵،۳۱۸	۳۸۵	+۷۴۲،۷۰
قم	۷۳۷،۰۴۶،۱	۱	۳	۱۱،۸۷۲	۹۱۲،۳۴۸	۹۵۷،۳	+۵۶۹،۱۰۱
البرز	۳۷۵،۲۸۹،۲	۳	۳	۸۳۳،۵	۱۲۵،۷۶۳	۹۴۴،۱	+۷۸۲،۵۱۵

منبع: سرشماری سال ۱۳۸۵ و آمارنامه مجلس شورای اسلامی

با توجه به آمار ذکرشده در جدول ۱، درحال حاضر در کشور، ۲۰۲ حوزه انتخاباتی در ۳۱ استان، با ۲۹۰ نماینده مجلس وجود دارد. براساس آمار سال ۱۳۸۵، جمعیت ایران ۷۰ میلیون و ۴۹۵ هزار و ۷۸۲ نفر بوده است؛ بنابراین، سرانه جمعیتی هر نماینده، ۰۸۹،۲۴۳ نفر بوده است که در جدول ۱، فاصله از این میانگین محاسبه شده است. اگرچه در قانون اساسی فعلی، ذکر از سرانه جمعیتی هر نماینده نشده است، براساس یکی از اصول سابق قانون اساسی (اصل ۶۴)، تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۲۷۰ نفر است و پس از هر ده سال، در صورت افزایش جمعیت کشور، در هر حوزه انتخاباتی، به نسبت هر ۰۰۰،۱۵۰ نفر، یک نماینده افزوده می‌شود. این اصل قانون اساسی، به دلیل اینکه صرفاً شاخص جمعیتی را مبنای عمل قرار داده بود، اصلاح شد و با اضافه شدن شاخص‌های دیگر کامل‌تر شد؛ بدین‌صورت که تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۲۷۰ نفر است و از تاریخ همه‌پرسی سال ۱۳۶۸، هر ده سال یک‌بار با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آن‌ها، حداکثر ۲۰ نماینده می‌توان افزود. همچنین اقلیت‌های زرتشتی و کلیمی، هریک یک نماینده، مسیحیان آشوری و کلدانی در مجموع، یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال، هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند. محدوده حوزه‌های انتخاباتی و تعداد نمایندگان را قانون معین می‌کند (اصل ۶۴ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی). اگرچه سرانه جمعیتی فعلی (۰۸۹،۲۴۳ نفر) به‌ازای هر نماینده، با آنچه اصل ۶۴ سابق قانون اساسی در نظر داشت، فاصله زیادی دارد، نتایج فاصله از همین میانگین - که در جدول ۱ محاسبه شده است - نیز تأییدکننده این مطلب است. از این‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که ظرفیت موجود کرسی‌های مجلس شورای اسلامی، متناسب با تحول‌های عوامل انسانی، سیاسی و جغرافیایی، به‌ویژه رشد جمعیت به‌عنوان یکی از شاخص‌های تأثیرگذار، نیاز به اصلاح دارد و باید با استفاده از پتانسیل‌های قانون اساسی کشور بازنگری شود.

علاوه‌براین، چگونگی پراکندگی کرسی‌های مجلس در سطح کشور نیز بیانگر نبود توزیع متعادل آن با توجه به وسعت و جمعیت هریک از کلان‌حوزه‌های انتخاباتی کشور است (نمودار ۱).

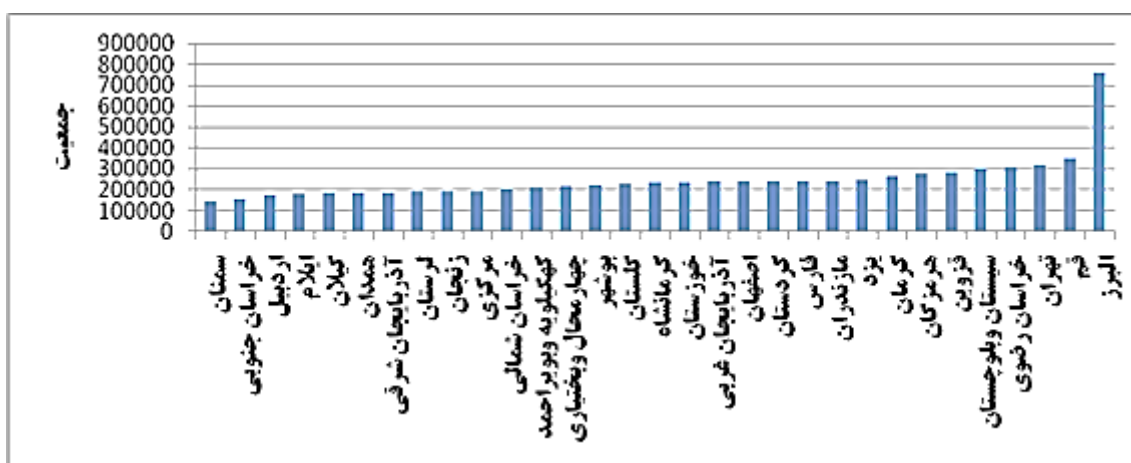


نمودار ۱. میزان برخورداری استان‌های کشور از کرسی‌های مجلس براساس جمعیت و وسعت

منبع: محاسبه‌های نگارندگان براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ و آمارنامه مجلس شورای اسلامی

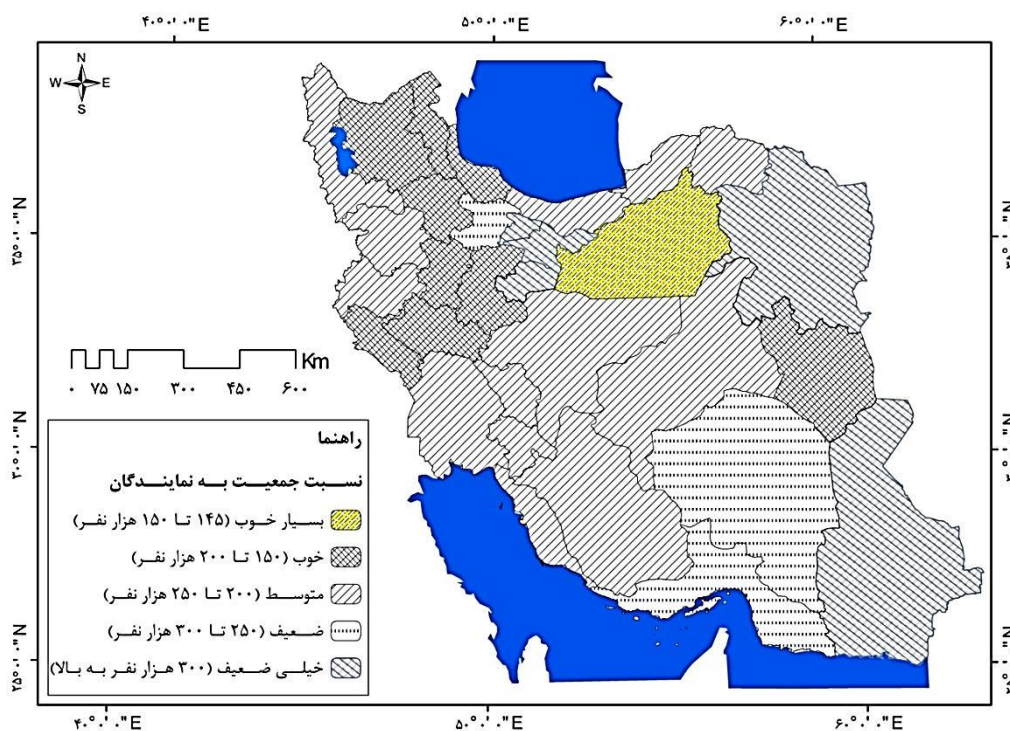
نمودار ۱ نسبت جمعیت به تعداد نمایندگان (محور افقی) و نسبت وسعت به تعداد نمایندگان (محور عمودی) برای هر استان را نشان می‌دهد و به خوبی بیانگر نبود تعادل و نابرابری در کشور است. استان‌ها فاصله‌های کم تا بسیار زیاد از نقطهٔ بهینه دارند و نحوهٔ قرارگیری‌شان، هیچ‌گونه نظم و الگوی مشخصی ندارد؛ به‌گونه‌ای که از منظر عامل جمعیتی، برای مثال در استان سمنان، به‌ازای هر ۴۳۵،۱۴۷ نفر، استان تهران هر ۰۸۵،۳۱۸ نفر و استان البرز هر ۱۲۵،۷۶۳ نفر یک نماینده در مجلس حضور دارند (نمودار ۲).

به‌منظور درک عینی و جغرافیایی دقیق، نسبت جمعیت به تعداد نمایندگان در استان‌های کشور، در نقشهٔ ۱ نشان داده شده است.



نمودار ۲. نسبت جمعیت به تعداد نمایندگان در سطح کشور

منبع: محاسبه‌های نگارندگان براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ و آمارنامهٔ مجلس شورای اسلامی



نقشهٔ ۱. نسبت جمعیت به تعداد نمایندگان در سطح کشور

منبع: محاسبه‌های نگارندگان براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ و آمارنامهٔ مجلس شورای اسلامی

با توجه به نقشه، استان‌های کشور از نظر میزان دسترسی به نمایندگان، به پنج دسته کلی تقسیم می‌شوند. این دسته‌بندی براساس اصل ۶۴ سابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که به‌موجب آن باید به‌ازای هر ۱۵۰،۰۰۰ نفر جمعیت، یک نماینده به نمایندگان پارلمان افزوده شود. وجود دسته‌های مختلف، نشان‌دهنده نبود توزیع متناسب نمایندگان و نداشتن دسترسی یکسان شهروندان ایرانی به مجلس است.

دسته اول (۱۴۵،۰۰۰ - ۱۵۰،۰۰۰): در این دسته، تنها استان سمنان قرار گرفته است که در مقایسه با سایر مناطق کشور، از وضعیت مناسبی برخوردار است. شاید وسعت زیاد و جمعیت کم استان، دلیل این امر بوده است.

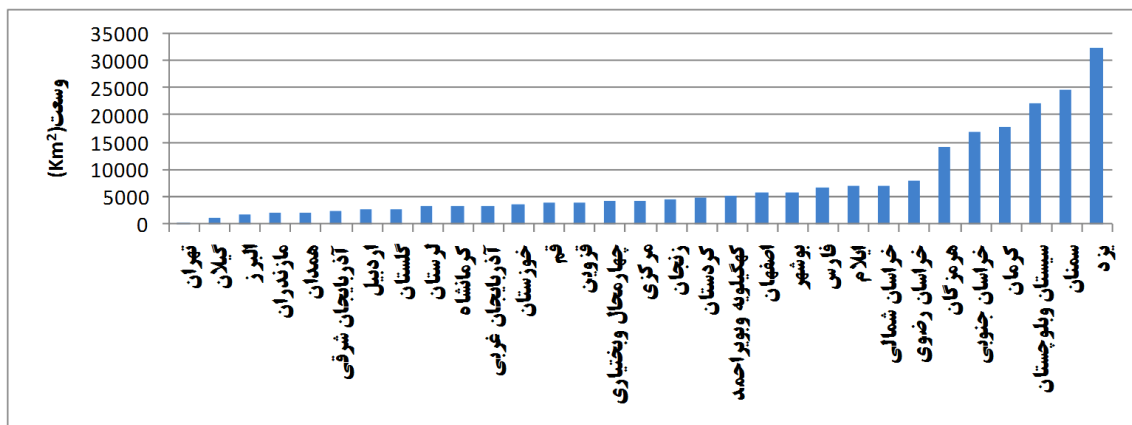
دسته دوم (۱۵۰،۰۰۰ - ۲۰۰،۰۰۰): به‌ترتیب، استان‌های خراسان جنوبی، اردبیل، ایلام، گیلان، همدان، آذربایجان شرقی، لرستان، زنجان و مرکزی در این دسته قرار می‌گیرند. آنچه در این گروه بیشتر اهمیت دارد، قرارگیری بیشتر این استان‌ها به‌جز استان خراسان جنوبی در نوار شمالی و نیمه‌شمال غرب و نسبتاً غرب کشور است. این امر نشان‌دهنده یک عامل پایه‌ای، یعنی وسعت زیاد استان‌ها در نیمه شرقی است که باید در طرح‌های بلندمدت، این تبعیض به مرور زمان کم‌رنگ‌تر و درنهایت برطرف شود.

دسته سوم (۲۰۰،۰۰۰ - ۲۵۰،۰۰۰): به‌ترتیب، استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، بوشهر، گلستان، کرمانشاه، خوزستان، آذربایجان غربی، اصفهان، کردستان، فارس، مازندران و یزد در این گروه قرار می‌گیرند که در مقایسه با سایر مناطق کشور، وضعیت متوسطی در دسترسی به نمایندگان دارند.

دسته چهارم (۲۵۰،۰۰۰ - ۳۰۰،۰۰۰): به‌ترتیب، استان‌های کرمان، هرمزگان و قزوین در این گروه قرار دارند که به نسبت جمعیتشان، وضعیت نسبتاً بدی از نظر دسترسی به تعداد نمایندگان دارند.

دسته پنجم (۳۰۰،۰۰۰ - ۳۵۰،۰۰۰): به‌ترتیب استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، قم، تهران و البرز در این گروه قرار می‌گیرند که بدترین نسبت جمعیتی را با تعداد نمایندگان خود دارند. هرچند باید به موضوع قدرت و نفوذ نمایندگان با توجه به حوزه انتخاباتی آن‌ها توجه داشت و شاید تأثیرگذاری یک نماینده استان تهران، به‌مراتب بیشتر از یک نماینده استان حاشیه‌ای‌تر کشور باشد.

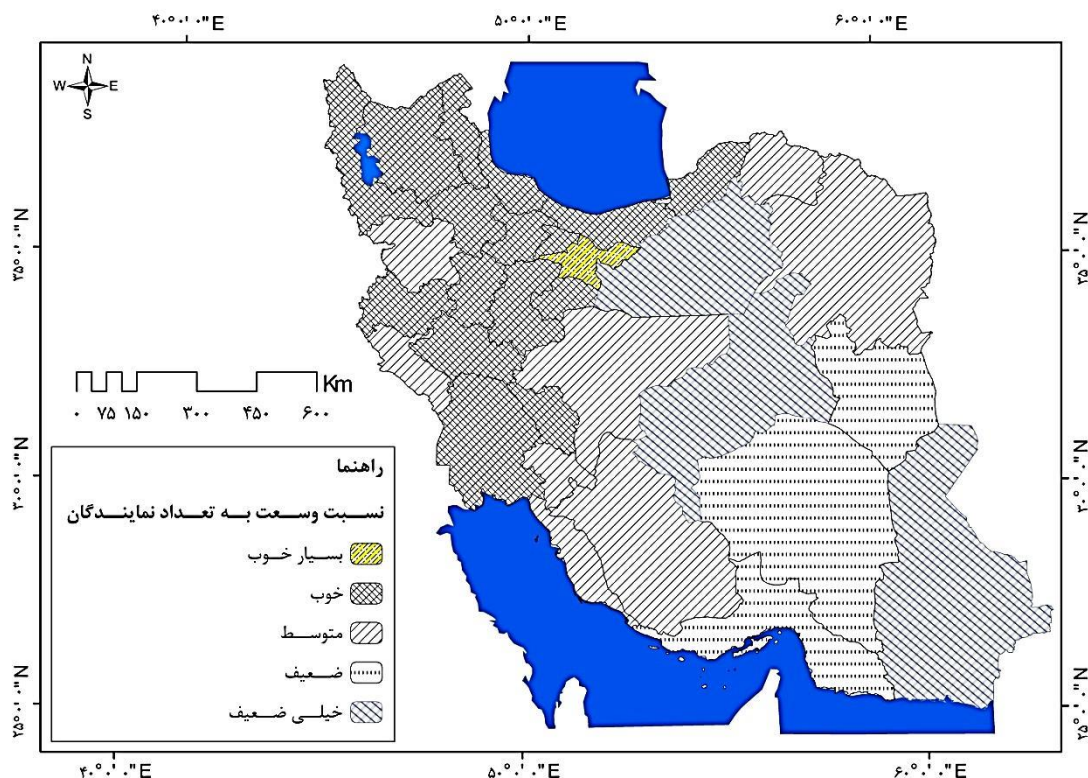
اما از نظر نسبت عامل وسعت و تعداد نمایندگان هریک از استان‌ها در مجلس نیز تفاوت‌های زیادی بین کلان‌حوزه‌های انتخاباتی کشور وجود دارد (نمودار ۳).



نمودار ۳. نسبت وسعت به تعداد نمایندگان در سطح کشور

منبع: محاسبه‌های نگارندگان براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ و آمارنامه مجلس شورای اسلامی

اطلاعات نمودار ۳ نشان می‌دهد که در استان تهران، به‌ازای هر ۳۸۵ کیلومتر مربع و در استان یزد به‌ازای هر ۵۷۰،۳۲ کیلومتر مربع مساحت، یک نماینده در مجلس حضور دارد که این نامتناسب بودن - همان‌طور که در نقشه ۲ دیده می‌شود - بیانگر تفاوتی عمیق بین استان‌های کشور است.



نقشه ۲. نسبت وسعت به تعداد نمایندگان در سطح کشور

منبع: محاسبه‌های نگارندگان براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ و آمارنامه مجلس شورای اسلامی

براساس این عامل نیز استان‌های کشور در پنج دسته قرار می‌گیرند:

دسته اول (کمتر از ۱۰۰۰ کیلومتر مربع): استان تهران به‌تنهایی در این گروه قرار می‌گیرد که به‌ازای هر ۳۸۵ کیلومتر مربع مساحت، یک نماینده در مجلس دارد.

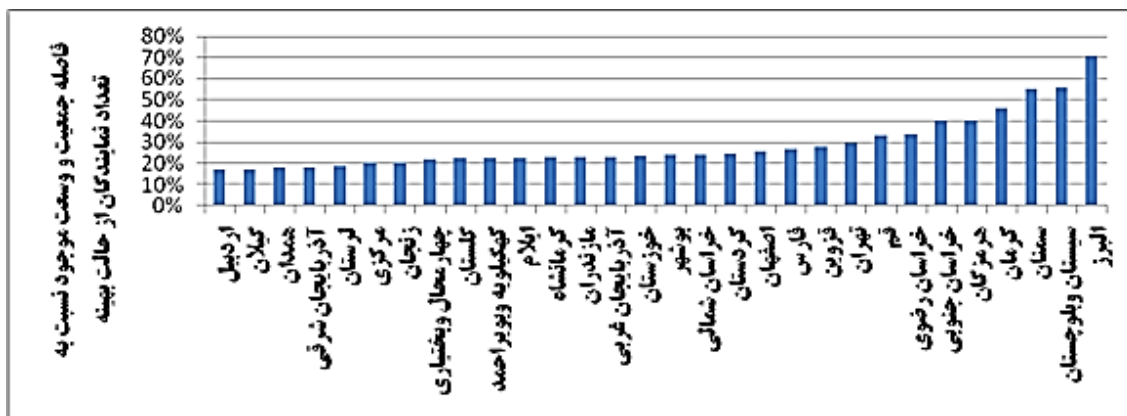
دسته دوم (۱۰۰۰-۵۰۰۰ کیلومتر مربع): به‌ترتیب، استان‌های گیلان، البرز، مازندران، همدان، آذربایجان شرقی، اردبیل، گلستان، لرستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی، خوزستان، قم، قزوین، چهارمحال و بختیاری، مرکزی و زنجان را شامل می‌شود که این استان‌ها با توجه به وسعتشان، به‌لحاظ میزان دسترسی به نمایندگان، از وضعیت نسبتاً خوبی برخوردارند.

دسته سوم (۵۰۰۰-۱۰،۰۰۰ کیلومتر مربع): به‌ترتیب، استان‌های کردستان، کهگیلویه و بویراحمد، اصفهان، بوشهر، فارس، ایلام، خراسان شمالی و خراسان رضوی را شامل می‌شود که در مقایسه با سایر استان‌ها به‌لحاظ نسبت وسعت به تعداد نمایندگان، وضعیت متوسطی دارند.

دسته چهارم (۱۰،۰۰۰-۲۰،۰۰۰ کیلومتر مربع): به‌ترتیب، استان‌های هرمزگان، خراسان رضوی و کرمان در این گروه قرار می‌گیرند که در مقایسه با سایر استان‌ها از نظر نسبت مساحت به تعداد نمایندگان، وضعیت نسبتاً بدی دارند.

دسته پنجم (۲۰،۰۰۰ کیلومتر مربع به بالا): به‌ترتیب، استان‌های سیستان و بلوچستان، سمنان و یزد در این گروه قرار می‌گیرند که در مقایسه با سایر استان‌ها، از نظر نسبت وسعت به تعداد نمایندگان، وضعیت بدی دارند.

با توجه به اطلاعات مذکور و نمای شماتیک نمودار ۳ و نقشه ۲، از منظر تناسب بین مساحت و تعداد نمایندگان نیز تفاوت‌های نسبتاً زیادی در بین مناطق جغرافیایی و استان‌های کشور مشاهده می‌شود. هرچند ۱۶ استان از ۳۱ استان کشور در گروه مشابهی به لحاظ نسبت بین مساحت و تعداد نمایندگان در مجلس قرار دارند، نیمی دیگر از استان‌های کشور وضعیت متفاوتی دارند؛ به گونه‌ای که استان‌های یزد و تهران، در این طبقه‌بندی یک روند کاملاً متضاد دارند. همچنین محاسبه مجموع مربع دو شاخص جمعیت و مساحت برای هر یک از استان‌ها (نمودار ۴) نیز نشان می‌دهد که به ترتیب، استان‌های البرز، سیستان و بلوچستان و سمنان، بدترین حالت نسبت به نقطه بهینه را دارند و استان‌های اردبیل، گیلان و همدان، بهترین حالت را دارند.



نمودار ۴. فاصله جمعیت و مساحت موجود به نسبت تعداد نمایندگان از حالت بهینه

منبع: محاسبه‌های نگارندگان براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ و آمارنامه مجلس شورای اسلامی

تحلیل یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که شهروندان کشور- به‌عنوان اشخاصی که به نمایندگان مجلس رأی می‌دهند- شرایط همسانی در دسترسی به کرسی‌های مجلس ندارند و ارزش آرا در این انتخابات با یکدیگر متفاوت است. از این‌رو، به نظر می‌رسد بعضی از دلایل تبعیض فضایی در نبود تناسب بین جمعیت و مساحت با تعداد نمایندگان پهنه‌های مختلف کشور در مجلس عبارت‌اند از:

۱. الگوی نظام حکومتی ایران: شاید یکی از دلایل زمینه‌ساز این نبود تناسب در تعداد نمایندگان حاضر در خانه ملت را باید در الگوی نظام حکومتی ایران- که تک‌ساخت و بسیط است- جست‌وجو کرد؛ چراکه با تمرکزگرایی موجود در کشور و اتخاذ بسیاری از تصمیم‌ها در پایتخت، الگوی منطقه‌ای، ناحیه‌ای و محلی در حاشیه قرار گرفته است و نگاه به این موضوع نیز از بالا به پایین تدوین می‌شود. چنین الگوی سازماندهی فضای سرزمین، تأثیر عمیقی بر فرایند مشارکت مردم در نهادهای مختلف از جمله مجلس شورای اسلامی داشته است؛ به طوری که تقسیم‌های سیاسی کشور در حال حاضر، متأثر از این دیدگاه و الگو است و نبود تعادل در دسترسی متناسب و برابر به کرسی‌های مجلس، در بعد کلان، به ماهیت الگوی مدیریت سرزمین در ایران و تقسیمات سیاسی منتج از آن برمی‌گردد.

۲. تقسیمات کشوری: تقسیمات کشوری، نوعی سازماندهی فضایی- اداری برای تسهیل در اعمال حاکمیت دولت، شیوه مدیریت و تصمیم‌گیری و همچنین انتزاع نوع و نحوه رابطه دولت با ملت و ملت با ملت است. در همین زمینه، محدوده‌های متوازن تقسیمات کشوری، درواقع ظرف مکانی به‌شمار می‌رود که می‌توان آن را فصل

مشترک تمام پدیده‌های عینی و غیر عینی، نظیر منابع طبیعی، جمعیت، سنت و فرهنگ، فعالیت، زیرساخت‌ها، تشکیلات، روابط، حرکات و... دانست که به تبع پیشینه تاریخی، نظام حکومتی، ضرورت‌های سیاسی و اجتماعی-اقتصادی در ظرف زمان، انتظام و آرایش خاصی به خود می‌گیرد (طرح جامع تقسیمات کشوری، ۱۳۷۸: ۴). یکی از مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین عوامل ایجاد شکاف دسترسی به کرسی‌های مجلس در ایران، تقسیمات کشوری نامناسب است که به دو شکل در این زمینه مؤثر است:

۱-۲. تفاوت آشکار در اندازه استان‌های کشور: بیشتر استان‌هایی که از نظر تعداد نمایندگان، از وضعیت مناسبی برخوردارند، به جز موارد استثنایی، در نیمه غرب و شمال غرب کشور واقع شده‌اند و عمدتاً به دلیل وسعت کمتر، تعداد لازم نمایندگان را دارند.

۲-۲. تقسیم کشور به حوزه‌های انتخاباتی: حوزه انتخاباتی عبارت است از محدوده جغرافیایی شناخته شده قانونی با مرزهای مشخص و تعداد معینی از نمایندگان که به آن تعلق می‌گیرند. چگونگی حوزه‌بندی انتخاباتی، با درجه تراکم جمعیت و نظام انتخاباتی و همچنین تعداد کرسی‌های پارلمانی تغییر می‌کند. عمل حوزه‌بندی، به ویژه در کشورهای بزرگ و پرجمعیت، از مهم‌ترین امور انتخابات است. نمی‌توان همه ملت را به صورت یک حوزه واحد در نظر گرفت؛ چراکه اولین اصل انتخابات صحیح- که رابطه درست شهروند و نماینده است^۱- زیر پا گذاشته می‌شود (قاضی، ۱۳۸۰: ۷۱۰). در ایران حوزه‌بندی انتخابات، متأثر از تقسیمات کشوری نه‌چندان صحیح و گاه تقسیمات کشوری متأثر از سیاسی‌نگری به پهنه سرزمین است که می‌توان آن را در قالب جغرافیای قدرت و حمایت تبیین کرد. درنهایت، این عوامل به نبود دسترسی عادلانه شهروندان به کرسی‌های مجلس منجر شده است؛ برای مثال، درحالی که استان خراسان رضوی، از نظر مساحت، سه برابر استان آذربایجان شرقی است، تعداد حوزه‌های انتخاباتی آذربایجان شرقی، ۱۳ مورد و خراسان رضوی ۱۲ مورد است. به تبع آن، جمعیت استان خراسان رضوی، تقریباً دو میلیون بیشتر از آذربایجان شرقی است، اما تعداد نمایندگان آذربایجان شرقی، یک کرسی بیشتر از استان خراسان رضوی است (جدول ۲). این موضوع، نشان‌دهنده اهمیت تقسیمات کشوری در این نابرابری و عدالت فضایی در دسترسی برابر شهروندان ایرانی به نمایندگان خود در مجلس است که در بلندمدت، دسترسی یکسان شهروندان به فرصت‌های برابر را از بین می‌برد. این درحالی است که براساس طرح یک‌شوری «اصلاح حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آن‌ها» مجلس شورای اسلامی- که در قالب طرح دوفوریتی، تصمیم به افزایش تعداد حوزه‌های انتخاباتی و تعداد نمایندگان داشته است، سهم حوزه انتخاباتی آذربایجان شرقی، دو نماینده و استان خراسان رضوی، یک نماینده پیشنهاد شده است و به شاخص‌هایی نظیر فاصله از میانگین مطلوب و بهترین حالت نسبت به نقطه بهینه برای هر یک از استان‌ها توجه نشده است.

جدول ۲. مقایسه استان‌های خراسان رضوی و آذربایجان شرقی

استان	جمعیت	وسعت به کیلومتر مربع	تعداد حوزه انتخاباتی	تعداد نماینده	تعداد شهرستان
خراسان رضوی	۰۷۹،۵۹۳،۵	۲۵۹،۱۴۳	۱۲	۱۸	۲۵
آذربایجان شرقی	۴۵۶۶۰۳،۳	۷۱۰،۴۷	۱۳	۱۹	۱۹

منبع: محاسبه‌های نگارندگان براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ و آمارنامه مجلس شورای اسلامی

ملاحظه‌های سیاسی در تعداد نمایندگان هر استان: گاهی از گفته‌ها و دیدگاه‌های افراد مسئول، نگاهی تبعیض‌آمیز به مقوله تعداد نمایندگان بعضی استان‌ها استنباط می‌شود که این امر در بلندمدت به نفع کشور نیست. از سویی، با توجه به

۱. هر رأی‌دهنده باید با علم و اطلاع کامل از شخصیت و روش سیاسی و ویژگی‌های اخلاقی نامزد انتخابات رأی بدهد.

اینکه استقرار اقلیت‌ها در بخش‌های حاشیه‌ای کشور و در مجاورت دروازه‌های فرامرزی، ضریب آسیب‌پذیری دولت ملی و سرزمین ایران را بالا برده و تبدیل به یک عامل بالقوه واگرایی در شرایط خاص شده است، دولت مرکزی می‌تواند با توزیع برابر کرسی‌های مجلس و امکان دسترسی یکسان همه گروه‌ها و افکار جامعه در مجلس، زمینه مشارکت حداکثری و ارتقای اتحاد ملی در کشور را فراهم آورد؛ برای مثال، استان سیستان و بلوچستان به‌عنوان یک استان مرزی - که خاستگاه یکی از قومیت‌های کشور نیز هست - به دلیل نبود توسعه، در سال‌های اخیر به یکی از پایگاه‌های حضور گروه‌های تروریستی و اشرار تبدیل شده است و به‌مرور، علی‌رغم تحمیل هزینه‌های مختلف به کشور ممکن است زمینه‌های ضعف اتحاد ملی را فراهم آورد. حال آنکه یکی از راه‌حل‌های اساسی برای این موضوع، افزایش تعداد نمایندگان این کلان‌حوزه انتخاباتی در مجلس است که در حال حاضر، به‌ازای هر ۳۰۰،۰۰۰ نفر، یک نماینده است. شایان ذکر است که بر مبنای طرح یک‌شوری «اصلاح حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آن‌ها» و «گزارش تحقیقات مرکز پژوهش‌های مجلس در تاریخ ۱۳۹۱/۰۴/۲۰» که تصمیم به افزایش تعداد حوزه‌های انتخاباتی و تعداد نمایندگان دارد، این استان که براساس یافته‌های این پژوهش در اولویت نخست افزایش تعداد نمایندگان قرار دارد، هیچ سهمی از افزایش تعداد نمایندگان نداشته است و ملاحظه‌های سیاسی در تعیین تعداد نمایندگان را تأیید می‌کند.

۳. ضعف پژوهش‌های علمی و تسلط رویکردهای محافظه‌کار: یکی دیگر از عوامل مداخله‌کننده در توزیع نامطلوب کرسی‌های مجلس در سطح کشور، استفاده‌نکردن از فرایندهای علمی و دقیق در نحوه تعیین حوزه‌ها و تعداد نمایندگان است. بیشتر تصمیم‌گیری‌ها در این زمینه، با نگاه سنتی و غیر منعطف انجام می‌شود که نیازمند به بازنگری و مهندسی مجدد است. برای نمونه، اگر نگاهی به «طرح اصلاح جدول حوزه‌های انتخاباتی و تعداد نمایندگان آن‌ها» - که به توزیع ۲۰ نماینده جدید میان حوزه‌های انتخاباتی می‌پردازد - بیندازیم، متوجه می‌شویم که سیستم حوزه‌بندی‌های انتخاباتی و اختصاص نمایندگان، براساس اصول علمی نبوده است؛ به‌طوری‌که از ۲۰ نماینده مورد نظر، تنها دو نماینده به گروه اول (استان‌هایی که در بدترین شرایط دسترسی به کرسی‌های مجلس قرار دارند) اختصاص یافته و استان سیستان و بلوچستان، به‌طور کلی سهمی از این افزایش نداشته است. در کلان‌حوزه‌های گروه دوم نیز به استان‌های قزوین و هرمزگان هیچ توجهی نشده است و این افزایش، به‌دور از دیدگاه علمی و پژوهشی و بدون توجه به وضع موجود کشور، بیشتر به کلان‌حوزه‌های انتخاباتی دسته سوم و گاه چهارم (استان‌هایی که دسترسی نسبتاً مناسبی به تعداد نماینده دارند)، اختصاص یافته است. این موضوع نه تنها کمکی به رفع نبود تعادل و تبعیض در دسترسی شهروندان به نهاد قانونگذاری نکرده است، بلکه نابرابری و تبعیض در دسترسی به کرسی‌های مجلس را افزایش داده است.

۴. جبر جغرافیایی: عامل دیگر در توزیع نامناسب کرسی‌های مجلس در ایران را می‌توان در پیوستگی یا گسیختگی‌های طبیعی و انسانی و تأثیر آن‌ها بر تحدید حدود حوزه‌های انتخاباتی جست‌وجو کرد.

۵. موقعیت جغرافیایی کلان‌حوزه‌های انتخاباتی (استان‌ها) و دوری یا نزدیکی به پایتخت: اگرچه منظور صرفاً فاصله فیزیکی و جغرافیایی نیست، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تا حدودی میزان نزدیکی و ارتباط فعال‌تر استان‌ها با مرکز و پایتخت کشور و قرارگیری در محورهای ارتباطی فعال، در میزان دسترسی مردم نواحی مختلف به کرسی‌های مجلس تأثیرگذار بوده است؛ به‌طوری‌که موقعیت مکانی و ارتباطی ۱۶ استان کشور - که به لحاظ میزان دسترسی به پایتخت، از وضعیت نسبتاً خوبی برخوردارند - در دسترسی نسبتاً مطلوب‌تر آن‌ها به کرسی‌های مجلس تأثیرگذار است که انزوای جغرافیایی، مؤلفه نسبتاً مهمی در این زمینه بوده است.

۶. آگاهی‌نداشتن رأی‌دهندگان حوزه‌های انتخاباتی به تعداد نمایندگانشان در مجلس: در بیشتر حوزه‌های انتخاباتی، دغدغه بیشتر مردم و شهروندان، حضور یا نبود فردی خاص در مجلس است و به دلیل ناآگاهی به‌ویژه در مناطق

محروم‌تر، آگاهی مناسبی در مورد ضرورت تعداد نمایندگان خود در مجلس و تأثیر آن بر سرنوشت ملی، منطقه‌ای و محلی ندارند. از این‌رو، تاکنون این موضوع (دسترسی نداشتن برابر به کرسی‌های مجلس) که حتی اهمیت بیشتری نسبت به خود انتخابات دارد، به صورت جدی جزء مطالبه‌های مهم مردم در این مناطق قرار نگرفته است. ۷. ماکروسفالی ملی و منطقه‌ای: به دلیل وجود پدیده کلان‌سری، در سطح ملی و منطقه‌ای که نمود آن با ظهور کلان‌شهرهایی نظیر تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز و اهواز پدیدار شده است، نفوذ و تأثیرگذاری نمایندگان این حوزه‌های انتخاباتی بر میزان قدرت حوزه‌های انتخابی متوسط و کوچک، اثر گذاشته است و گاهی متناقض با خواسته‌ها و مطالبه‌های آن‌هاست. از طرفی این موضوع بر میزان قدرت و نفوذ نمایندگان در مجلس تأثیرگذار بوده است.

۸. نگرش مقطعی و منفعت‌گرایانه به حوزه‌های انتخاباتی: گاهی بعضی نمایندگان به دلایل مختلف، از جمله ترس از ازدست‌دادن آرا و انتخاب‌نشدن مجدد، بدون توجه به مبانی علمی، پیشنهاد ادغام یا تقسیم حوزه خود را مطرح می‌سازند و برای آن زمینه‌سازی می‌کنند. چنین اقدام‌هایی در بلندمدت زمینه عبور از وضعیت موجود به مطلوب را دچار مشکل می‌کند.

۹. شفاف‌نبودن قوانین و معیارهای آن در مورد انتخابات و تعداد نمایندگان: ماده ۲ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، افزایش تعداد نمایندگان را منوط به اصل ۶۴ قانون اساسی کرده است. اگرچه اصل قانون اشاره کرده است که پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آن‌ها، حداکثر ۲۰ نماینده به نمایندگان مجلس اضافه شود، این قانون به جز ذکر شاخص‌های کیفی کلان، به طور مشخص به چگونگی انجام این مهم از جمله آستانه‌های جمعیتی (آمار دقیق تعداد نمایندگان به‌ازای تعداد جمعیت و آستانه‌های لازم جمعیتی برای تعیین تعداد نمایندگان در هر حوزه انتخابی)، مؤلفه‌های سیاسی و جغرافیایی به‌طور روشن اشاره نکرده است و این موضوع در ابهام است. مصداق بارز آن در فاصله سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ شایان بررسی است؛ چراکه علی‌رغم افزایش تعداد جمعیت و رأی‌دهندگان و افزایش تعداد حوزه‌های انتخاباتی، به تعداد کرسی‌های مجلس افزوده نشد.

۱۰. دسترسی نداشتن ایلات و عشایر به کرسی‌های مجلس: براساس مستندات رئیس سازمان امور عشایر کشور، عشایر کوچنده کل کشور، ۱، ۲۵۰، ۰۰۰ نفر در ۲۲۰، ۰۰۰ خانوار هستند که ۶۵ درصد آن‌ها کمتر از ۳۹ سال دارند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد بازبینی قوانین برای در نظر گرفتن تعدادی از کرسی‌های مجلس برای این گروه‌ها با توجه به تعلق نداشتن به حوزه انتخاباتی مشخص، مانند اقلیت‌های مذهبی لازم است.

حال با توجه به یافته‌های این پژوهش و بررسی وضعیت موجود، پرسش مهم این است که برای دسترسی به وضعیت نسبتاً مطلوب، کدام کلان‌حوزه‌های انتخاباتی (استان‌ها)، در اولویت افزایش تعداد نمایندگان در مجلس قرار می‌گیرند؟ نتایج بررسی وضع موجود نشان می‌دهد باید در دو یا سه دهه آتی، تبعیض در دسترسی به نمایندگان و ایفای نقش برابر افراد جامعه در مجلس، تا حد ممکن کاهش یابد. از این رو باید:

۱. هرچند سال یک‌بار (برای مثال هر ده سال) روند تقسیمات حوزه‌های انتخاباتی با دقت و با توجه به ابعاد مختلف به‌ویژه جمعیت، بازترسیم شود و در صورت وجود نابرابری اصلاح شود.

۲. ضمن استفاده از ظرفیت‌های قانون اساسی - که اجازه می‌دهد هر ده سال، ۲۰ نماینده به تعداد نمایندگان مجلس اضافه شود و این حق مردم است که از این امتیاز پیش‌بینی‌شده در قانون استفاده کنند - لازم است برای تعدیل وضع موجود، در اولویت نخست، استان‌های البرز، سیستان و بلوچستان و سپس خراسان رضوی قرار بگیرند؛ به‌ویژه دو استان سیستان و بلوچستان و خراسان رضوی، با توجه به وسعت و جمعیت خود، نمایندگان کافی در مجلس ندارند و

- علاوه بر آن، استان سیستان و بلوچستان به دلیل داشتن قومیت و اقلیت سنی‌مذهب، شرایط خاصی دارد. با درک حساسیت‌های موجود در این منطقه، بیشتر به آن توجه شود تا از این طریق، روند اعتمادسازی در این منطقه تقویت شود و به شکل‌گیری پارلمانی که نمایندگان تمام ملت به صورت برابر در آن حاضرند، کمک شود.
۳. در اولویت دوم، به استان‌های هرمزگان، کرمان، قزوین، قم و تهران توجه شود. البته نباید فراموش کرد که قدرت و نفوذ نمایندگان در استان‌هایی مانند تهران و قم با استانی چون هرمزگان برابری نمی‌کند و این یکی از ضعف‌های معیار صرفاً جمعیتی است که باید نمایندگان در دادن امتیاز به آن دقت کافی داشته باشند. از این رو استان‌های هرمزگان، کرمان و قزوین بر تهران و قم مقدم‌اند. هرچند این موضوع خود به‌گونه‌ای بحث دموکراسی و برابری آرا را زیر سؤال می‌برد که از مجال بحث حاضر خارج است.
۴. در اولویت سوم، باید به استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، بوشهر، گلستان، کرمانشاه، خوزستان، آذربایجان غربی، اصفهان، کردستان، فارس، مازندران و یزد توجه شود.
۵. در نهایت، استان‌های سمنان، خراسان جنوبی، اردبیل، ایلام، گیلان، همدان، آذربایجان شرقی، لرستان، زنجان و مرکزی قرار می‌گیرند که با توجه به وضعیت کنونی این استان‌ها، در حال حاضر نیازی به افزایش تعداد نمایندگان نیست و در صورت تعریف حوزه‌های جدید برای این استان‌ها، می‌توان دو یا چند حوزه آن‌ها را بدون نیاز به افزایش تعداد نمایندگان، با هم تلفیق کرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

انتخابات، فرایندهای انتخاباتی، تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی به‌وسیلهٔ نهادهای منتخب، از اصول بیشتر کشورهای جهان برای توسعه و تکامل است. این مهم در کشوری مانند ایران که الگویی بسیط و متمرکز دارد و به لحاظ تنوع قومی-مذهبی و زبانی از شرایط خاصی برخوردار است، اهمیت ویژه‌ای دارد. در ایران، مجلس شورای اسلامی به‌عنوان مظهر حضور همهٔ گرایش‌ها و تنوع‌ها در کشور شناخته می‌شود؛ بنابراین، ضروری است دسترسی برابر و امکان برخورداری از ارزش آرای یکسان برای تمامی افراد جامعه در فضاهای جغرافیایی مختلف وجود داشته باشد. برابری در دسترسی به کرسی‌های مجلس، یکی از بسترهای کلیدی در برابری در توزیع امکانات اولیه، برابری حقوق، برابری در برخورداری از آزادی‌های مدنی، برابری دستاوردها، برابری رفاه، برابری درآمد، برابری فرصت‌ها و... در فضای کشور، متناسب با پتانسیل‌ها و استعدادهای هریک از پهنه‌های جغرافیایی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شهروندان کشور، به‌عنوان اشخاصی که به نمایندگان مجلس رأی می‌دهند، از شرایط همسانی در دسترسی به کرسی‌های مجلس برخوردار نیستند و ارزش آرا در این انتخابات، با یکدیگر متفاوت است؛ به‌گونه‌ای که در استان سمنان، به‌ازای هر ۴۳۵،۱۴۷ نفر، سیستان و بلوچستان هر ۷۱۷،۳۰۰ نفر، تهران هر ۰۸۵،۳۱۸ نفر و استان البرز، هر ۱۲۵،۷۶۳ نفر، یک نماینده در مجلس حضور دارد و سایر استان‌ها نیز فاصله‌های کم تا بسیار زیاد از میزان مطلوب دارند و نحوهٔ برخورداریشان از نمایندگان در مجلس، هیچ‌گونه نظم و الگوی مشخصی ندارد؛ به‌گونه‌ای که ارزش هر رأی در استان سمنان، دو برابر استان سیستان و بلوچستان و پنج برابر استان البرز است. با توجه به اینکه ویژگی‌های طبیعی کشور ما و ویژگی ذاتی مجلس - که برآمده از سطح اجتماعی (و نه طبیعی) است - استفاده از شاخص مساحت را کم‌ارزش‌تر می‌کند، برای تکمیل عامل جمعیتی و اتخاذ تصمیم‌های بهتر در شرایط یکسان ضروری است؛ بنابراین، از نظر تناسب بین مساحت و تعداد نمایندگان نیز تفاوت‌های نسبتاً زیادی در بین مناطق جغرافیایی و استان‌های کشور مشاهده می‌شود. هرچند ۱۶ استان از ۳۱ استان کشور، به لحاظ نسبت بین مساحت و تعداد نمایندگان در مجلس، در گروه مشابهی قرار دارند، نیمی دیگر از استان‌های کشور دارای وضعیت متفاوتی هستند. چنانکه استان‌های یزد و تهران در این طبقه‌بندی، یک روند کاملاً متضاد دارند و در این زمینه

نیز پراکندگی کرسی‌های مجلس از الگوی مشخصی پیروی نمی‌کند. همچنین محاسبه مجموع مربع دو شاخص جمعیت و مساحت برای هر یک از استان‌ها نیز نشان می‌دهد که به ترتیب، استان‌های البرز، سیستان و بلوچستان و سمنان بدترین حالت را نسبت به نقطه بهینه دارند و استان‌های اردبیل، گیلان و همدان، بهترین حالت را دارند. نتایج نشان می‌دهد که عامل تقسیمات کشوری و چینش حوزه‌های انتخاباتی، مهم‌ترین دلیل در دسترسی نابرابر به کرسی‌های مجلس بوده است که این عوامل خود از دیدگاه تمرکزگرا در ایران و نیز تفوق دیدگاه‌های سیاسی بر رویکردها و روندهای علمی تأثیر پذیرفته است. علاوه بر این، دلایلی مانند ملاحظه‌های سیاسی در تعداد نمایندگان هر استان، نوع تقسیمات سیاسی داخل هر استان از نظر تعداد شهرستان‌ها، بهره‌نگرفتن از فرایندهای علمی، مطالبه‌نکردن مردم در این زمینه، گسیختگی فضایی طبیعی و انسانی موجود در کشور را نیز می‌توان برشمرد. به‌منظور برنامه‌ریزی برای بهبود وضعیت تناسب در کرسی‌های مجلس شورای اسلامی نیز باید افزایش تعداد کرسی‌ها به ترتیب اهمیت، ابتدا به استان‌های البرز، سیستان و بلوچستان و خراسان رضوی و در اولویت بعد به استان‌های هرمزگان، کرمان، قزوین، قم و تهران اختصاص یابد که با توجه به ویژگی تمرکزگرایی در ایران و قدرت نمایندگان دو استان قم و تهران، می‌توان آن‌ها را استثنا کرد و از این اولویت خارج ساخت. در نهایت اینکه نتایج پژوهش نشان می‌دهد الگوی فعلی پراکندگی کرسی‌های مجلس در سطح کشور توزیع عادلانه‌ای نداشته است و باید با استفاده از ظرفیت‌های قانونی پیش‌بینی شده، این ناهمسانی در آینده برطرف شود. یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های قانونی، پیش‌بینی افزایش ۲۰ نماینده در هر دوره ده‌ساله در قانون اساسی است. با توجه به اینکه از سال ۱۳۸۰ تاکنون، این افزایش تعداد نماینده صورت نگرفته است، لازم است این مهم با رویکرد کاهش تبعیض، براساس بررسی‌های این مقاله، به استان‌هایی که در دسته‌های ضعیف و بسیار ضعیف قرار دارند، تعلق گیرد.

منابع

۱. آمار انتخاباتی دوره‌های مختلف مجلس شورای اسلامی، دفتر انتخابات، وزارت کشور.
۲. آمار انتخاباتی دوره‌های مختلف مجلس شورای اسلامی، دفتر انتخابات، وزارت کشور.
۳. آندره، موروا، ۱۳۶۶، تاریخ انگلستان، ترجمه غلامعلی قاسمی، نشر کتاب امروز، تهران.
۴. اتحادیه، منصوره (نظام مافی)، ۱۳۷۵، مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجاری، انتشارات نشر تاریخ ایران، تهران.
۵. اندروینست، ۱۳۶۹، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، چاپ اول، نشر نی، تهران.
۶. بابامرادی، اکبر، ۱۳۷۶، جغرافیای انتخابات و جنبه‌هایی از آن در ایران، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
۷. بلاکسل، مارک، ۱۳۸۸، جغرافیای سیاسی، ترجمه محمدرضا حافظ‌نیا و دیگران، نشر انتخاب، تهران.
۸. پدram، سعید و حمیدرضا رحمانی‌زاده دهکردی، ۱۳۸۱، استانی‌شدن حوزه‌های انتخاباتی، نشریه مجلس و پژوهش، سال نهم، شماره ۲۶، ص ۱۵۴.
۹. پیشگاهی‌فرد، زهرا و سیدمحمدجواد شوشتری، ۱۳۸۷، مبانی جغرافیایی خاستگاه آرای مردم در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره ۲، ص ۱۱۰.
۱۰. جان، ای. رویمر، ۱۳۸۱، برابری فرصت، ترجمه محمد خضری، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
۱۱. حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۱، جغرافیای سیاسی ایران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
۱۲. رضائی خردمردی، حسین، ۱۳۸۷، مجلس و انتخابات نماینده «آنچه ما نیاز داریم تا در مورد انتخابات می‌دانند»، تهران.
۱۳. طباطبائی مؤتمنی، منوچهر، ۱۳۸۰، حقوق اساسی، نشر میزان، تهران.
۱۴. عالم، عبدالرحمن، ۱۳۷۶، تاریخ فلسفه سیاسی غرب، از آغاز تا پایان سده‌های میانه، جلد ۱۰، وزارت امور خارجه، تهران.

۱۵. عاملی، حشمت‌الله، ۱۳۶۴، **مبانی علم سیاست**، انتشارات ابن سینا، تهران.
۱۶. قاضی، ابوالفضل، ۱۳۸۰، **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**، چاپ هفتم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول ۵۶ و ۶۴.
۱۸. گلشن‌پژوه، محمدرضا، ۱۳۸۸، **بررسی تطبیقی نظام‌های انتخاباتی**، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران.
۱۹. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵، **آمار سرشماری جمعیت**.
۲۰. ملاحسینی اردکانی، رضا، ۱۳۸۶، **بررسی تغییرات حوزه‌های انتخاباتی استان یزد**، سایت استانداری، یزد.
۲۱. نقیب‌زاده، احمد، ۱۳۷۲، **سیاست و حکومت در اروپا**، سمت، تهران.
۲۲. وزارت کشور، ۱۳۷۸، **طرح جامع تقسیمات کشوری، گزارش تلفیق**، وزارت کشور، دفتر تقسیمات کشوری.
23. Alam, A., 1997, **History of West Political Philosophy from the Beginning to the End of the Middle Ages**, vol. 10, State Department Institution Press, Tehran. (*In Persian*)
24. Ameli, H., 1985, **The Foundations of Science Policy**, Poorsina publication, Tehran. (*In Persian*)
25. Andre, M., 1987, **A History of England**, Translated By: Ghasemi, Gh. A., Ketab Emrooz, Tehran. (*In Persian*)
26. Andrew, V., 1990, **Theories of the State**, Translated By: Bashiriyeh, H., Nashre Ney, Tehran. (*In Persian*)
27. Babamoradi, A., 1997, **Electoral Geography and Aspects' in Iran**, M.S Thesis, Political Geography, University of Tehran. (*In Persian*)
28. Blacksell, M, 2006, **Political Geography**, Routledge, New York.
29. Blacksell, M., 2010, **Political Geography**, Translated By: Hafezniam M. R., et al., Entekhab, Tehran. (*In Persian*)
30. Constitution of the Islamic Republic of Iran, Principles 56 and 64. (*In Persian*)
31. Department of the State, 1999, **A Comprehensive Plan of National Distribution, Report Incorporating**, Department of State, Office of Administrative Divisions. (*In Persian*)
32. Dikshit, R. D., 1983, **Political Geography**.
33. **Election Statistics of Islamic Consultative Assembly in a Verity Period**, Parliament Elections Office, Department of State. (*In Persian*)
34. Etehadieh, M, (Nezam Mafi), 1996, **Assembly and Election from the Constitutional until the End of the Qajar**, Tarikhe Iran, Tehran. (*In Persian*)
35. Ghazi, A., 2001, **Constitutional Law and Political Institutions**, 7th Ed, University of Tehran. (*In Persian*)
36. Golshanpajoo, M. R., 2009, **A Comparative Study of Electoral Systems**, Abrare Moasser, Tehran. (*In Persian*)
37. Hafeznia, M. R., 2002, **Political Geography of Iran**, Samt, Tehran. (*In Persian*)
38. John, E. R., 2002, **Equality of Opportunity**, Translated By: Khezri, M., Publications Institute for Strategic Studies, Tehran. (*In Persian*)
39. Katz, R. S., 1997, **Democracy and Election**, Oxford, New York.
40. Mollahosseini, A. R., 2007, **Examination of Changes in the Electoral District of Yazd Province**, Yazd. (*In Persian*)
41. Naghibzadeh, A., 1993, **Politics and Governance in Europe**, Samt, Tehran. (*In Persian*)

42. Palsingh, Ch., 2000, **Report: Political Geography in Practice a Century of Constituency Delimitation in India**, Political Geography, No. 19, PP. 517–53.
43. Pedram, S. and Rahmanizadeh Dehkordi, H. R., 2002, **The Provincial Electoral District**, Assembly and Research Issue, Vol. 9, No. 26, PP. 154. (*In Persian*)
44. Pishgahifard, Z. and Shoushtari, S. M. J., 2002, **Principles of Geographical Origin Parliament Election on the Eighth Ballot**, Geopolitics Quarterly, Vol. 4, No. 2, P. 110. (*In Persian*)
45. Population and Housing Census of Iran, 2006. (*In Persian*)
46. Ramazani Kheradmardi, H., 2008, **Assembly and Election of Representative “What We Need to Know about Election”**, Tehran. (*In Persian*)
47. Statistics of the Ninth Elections of Islamic Consultative Assembly in 2011, **Election Office**, The Ministry of Country. (*In Persian*)
48. Tabatabai Motameni, M., 2001, **Constitutional Rights**, Mizan Publication, Tehran. (*In Persian*)
49. www.iranianshistoryonthistoday.com.